

نیایش

اللَّهُمَّ تَوَرُّقُلُوبِنَا بِالْقُرْءَانِ

خدایا! دل‌های ما را به نور قرآن روشن کن

وَ زَيِّنْ أَخْلَاقِنَا بِالْقُرْءَانِ

و اخلاقی ما را با قرآن زینت بخش

وَ اسْتَجِبْ دُعَاءَنَا بِالْقُرْءَانِ

و دعای ما را به حق قرآن برآورده ساز

اللَّهُمَّ اهْدِنَا بِهِدَايَةِ الْقُرْءَانِ

خدایا! ما را از هدایت قرآن بهره‌مند ساز

وَ ارْفَعْ دَرَجَاتِنَا بِبَرَكَاتِ الْقُرْءَانِ

و به برکت قرآن، درجات ما بفرز

وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا بِحَقِّ الْقُرْءَانِ

و به حق قرآن، خطاهای ما را ببوشان

وَ عَاقِنَا مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ الدُّنْيَا بِالْقُرْءَانِ

و به وسیله قرآن، ما را از همه بلاهای دنیا حفظ کن

ءَامِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

آری ای پروردگار جهانیان! آمین کن



تمرین آزاد جزء برنامه‌ی اصلی درس نیست. اگر دانش‌آموزان شما شرایط و آمادگی خوبی دارند، می‌توانید انجام دادن این تمرین‌ها را به‌عنوان بخشی از فعالیت‌های خارج از کلاس برعهده‌ی آنان بگذارید و برای کسانی که آن‌ها را انجام می‌دهند، نمره خاصی در نظر بگیرید. در این قسمت، ترجمه‌ی برخی از عبارت‌ها و نکته‌های ضروری مطرح می‌شود.

درس اول

۱- **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ:** بگو او خداست، یکتا. ممکن است دانش‌آموزان این عبارت را «او خدای یکتاست» معنا کنند که صحیح محسوب می‌شود. این دو ترجمه کمی با هم متفاوت‌اند. در ترجمه‌ی دوم، «یکتا» صفت «خدا» واقع شده است ولی در آیه‌ی شریفه‌ی «أَحَدٌ»، صفت «اللَّهُ» نیست بلکه «خبر» است.

۲- **وَاللَّهُمَّ اِنِّهِ وَاِحِدٌ:** و خدای شما خدای یکتاست. این ترجمه کاملاً صحیح است؛ زیرا در عبارت قرآنی، «واِحِدٌ» صفت «اللَّهُ» و در ترجمه نیز «یکتا» صفت «خدا» است.

۳- **لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ:** نیست خدایی جز او، بخشنده‌ی مهربان. در ترجمه‌ی دقیق‌تر می‌توان گفت: «نیست هیچ خدایی جز او...»، کلمه‌ی ابتدای این عبارت، در اصطلاح «لا»ی نفی جنس است و برای ترجمه‌ی آن، بهتر است از کلمه‌ی «هیچ» استفاده شود؛ مانند: لا رَيْبَ فِيهِ: نیست هیچ شکی در آن.



درس دوم

۱- **اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ:** الله پروردگار ما و پروردگار شماست. در ترجمه می توان به جای «الله» از کلمه‌ی «خدا» استفاده کرد ولی در برخی عبارات‌ها همچون این عبارت، شاید ترجمه نکردن «الله» بهتر باشد؛ زیرا در زبان عربی «الله» اسم خاص برای خدای یکتا و خالق آسمان‌ها و زمین است ولی در فارسی، ظاهراً «خدا» اسم خاص نیست؛ هر چند که امروزه بیش‌تر به‌عنوان اسم خاص به‌کار می‌رود.

۲- **وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ:** و خدا هدایت می‌کند هر کس را که می‌خواهد به راه راست. ممکن است این‌گونه عبارت‌ها برای دانش‌آموزان سؤال‌برانگیز باشد. در این صورت، برای آن‌ها توضیح می‌دهیم که با استفاده از سایر آیه‌های قرآن کریم، متوجه می‌شویم که هدایت خداوند برای همه‌ی انسان‌هاست ولی انسان‌های ستمگر (ظالمان) و کسانی که حقایق را می‌فهمند ولی قبول نمی‌کنند (کافران)، از هدایت خداوند محروم می‌شوند «وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ، وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ».



درس سوم

۱- **إِنَّ الدُّنْيَا لَفُتْرٌ مَّجِيدٌ**: قطعاً، همه‌ی عزّت برای خداست؛ در عبارتهایی که به کلمه‌ی «جمیعاً» ختم می‌شوند، معمولاً این کلمه به همین صورت معنا می‌شود.

۲- **أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ**: تو سرپرست من در دنیا و آخرت هستی. به ترکیب «وَلِيٌّ» که از دو کلمه‌ی «وَلِيٌّ + ی» تشکیل شده است و نیز به فعل ربطی «هستی»- که به علت وجود «أَنْتَ» بدین صورت آمده است - توجه کنید.

۳- **قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا**: بگو ای مردم، قطعاً من پیامبر خدا به سوی همه‌ی شما هستم. همان‌طور که گفته شد، در این‌گونه عبارات «همه (جمیعاً)» قبل از «شما» معنا می‌شود.

۴- **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ**: ای کسانی که ایمان آوردید، نگیرید کافران را سرپرستان؛ یعنی، کافران را سرپرست خود نگیرید. در ترجمه به علامت مفعول (را) پس از «کافران»، توجه کنید.

درس چهارم

— اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ

ثُمَّ يُحْيِيكُمْ: خدا کسی است که آفرید شما را سپس روزی داد شما را (به شما) سپس می‌میراند شما را سپس زنده می‌کند شما را.

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، ضمیر «كُم» در همه‌ی افعال این عبارت، مفعول به (مفعول بدون واسطه) است؛ از این رو، در فارسی با علامت «را» ترجمه شده است اما در فعل «رَزَقَكُم» بهتر است «روزی داد به شما» معنا شود.



درس پنجم

۱- فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا: پس زنده

کرد به وسیله‌ی آن (آب) زمین را پس از مرگش. ضمیر «ه» به «ماء» در عبارت قبل برمی‌گردد. درباره‌ی مفهوم این عبارت در آیات دروس، توضیحاتی ارائه شده است.

۲- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيَّ عَبْدِهِ

الْكِتَابَ: حمد (سپاس و ستایش) برای خداست که نازل کرد بر بنده‌اش کتاب را. گاهی زیباتر و ساده‌تر آن است که «الَّذِي» را «که» معنا کنیم.

۳- وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ

وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ: و او کسی است که آفرید شب و روز و خورشید و ماه را. در این عبارت آوردن کلمه‌ی «را» یک بار در پایان جمله کفایت می‌کند.



درس ششم

— إنا لننصُرُ رُسُلنا وَ الَّذينَ ءامَنوا فِي

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا: قطعاً ما یاری می کنیم پیامبرانمان و کسانی را که ایمان آوردند در زندگی دنیا. «لَ» در ابتدای فعل «نَنْصُرُ» به معنای «قطعاً» است ولی چون «قطعاً» در ترجمه‌ی کلمه‌ی «إِنَّا» آمده است، دیگر به ترجمه‌ی «لَ» نیازی نیست. «رُسُلَنَا» و «الَّذِينَ ءَامَنُوا» هر دو «مفعول به» برای فعل «نَنْصُرُ» هستند؛ از این رو، آوردن «را» پس از ترجمه‌ی دومی کفایت می‌کند.

درس ششم

به کتاب جان کلام در زبان و معانی و لغت مراجعه کنید.

عقلی	عقلی	عقلی	عقلی
عقلی	عقلی	عقلی	عقلی

و قوله ما من الاثم فاطمرا فبذلك كان ما بيننا وبينهم

و انما ننصُرُ رُسُلنا وَ الَّذينَ ءامَنوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

درس هفتم

۱— ... يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ: می‌آمرزد برای

کسی (هر کس) که می‌خواهد؛ یعنی، هر کس را که بخواهد، می‌آمرزد. قبلاً نیز درباره‌ی مفهوم این گونه جمله‌ها توضیح داده‌ایم. منظور این است که خداوند دارای قدرت بی‌انتهای برای انجام دادن هر کاری است و هیچ چیز توان مقابله با خواست او را ندارد ولی بدیهی است، چون خداوند حکیم و مهربان است، هر کاری که کند بر مبنای رحمت و حکمت اوست.

۲— يَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ يَدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ: می‌آمرزد برای شما گناهانتان را و داخل می‌کند شما را به بهشت‌هایی که جاری است از زیر آن‌ها رودها. برای بهتر و

درس هفتم

به کتاب جان کلام در زبان و معانی و لغت مراجعه کنید.

عقلی	عقلی	عقلی	عقلی
عقلی	عقلی	عقلی	عقلی

و قوله ما من الاثم فاطمرا فبذلك كان ما بيننا وبينهم

و انما ننصُرُ رُسُلنا وَ الَّذينَ ءامَنوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

روشن‌تر شدن معنا از دو حرف «به» و «که» در قبل و بعد از «بهشت‌هایی» استفاده شده است.

درس هشتم

۱- اِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَيِ الْاَرْضِ زِينَةً لَهَا:

قطعاً ما قرار دادیم آن چه بر (در) زمین است زینت برای آن. به قرار گرفتن فعل ربطی «است» در جای مناسب دقت کنید. ضمیر «ها» به «أَرْض» برمی گردد؛ یعنی، آن چه در زمین قرار داده شده است، برای آن (زمین) زینت و زیبایی است.

۲- هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَ الْقَمَرَ

نوراً: او کسی است که قرار داد خورشید را روشنایی بخش و ماه را نورانی و روشن. شاید منظور از «ضیاء» چیزی است که روشنایی و نور آن از خود اوست ولی منظور از «نور» هر چیز روشن و نورانی است؛ چه آن نور از خودش باشد و چه آن را از چیز دیگری گرفته باشد.

درس هشتم

به کمک جداولی که در این کتاب و جزوات آموزشی در دسترس است:

فعل: جَعَلَ	مفعول به: مَا عَلَيِ الْاَرْضِ	مفعول ثان: زِينَةً لَهَا
فعل: جَعَلَ	مفعول به: الشَّمْسَ	مفعول ثان: ضِيَاءً
فعل: جَعَلَ	مفعول به: الْقَمَرَ	مفعول ثان: نَوْرًا

فعل: جَعَلَ

مفعول به: مَا عَلَيِ الْاَرْضِ

مفعول ثان: زِينَةً لَهَا

فعل: جَعَلَ

مفعول به: الشَّمْسَ

مفعول ثان: ضِيَاءً

فعل: جَعَلَ

مفعول به: الْقَمَرَ

مفعول ثان: نَوْرًا

درس نهم

نیازی به توضیحات بیش تر ندارد و قبلاً موارد لازم گفته شده است.

درس نهم

به کمک جداولی که در این کتاب و جزوات آموزشی در دسترس است:

فعل: جَعَلَ	مفعول به: الشَّمْسَ	مفعول ثان: ضِيَاءً
فعل: جَعَلَ	مفعول به: الْقَمَرَ	مفعول ثان: نَوْرًا

فعل: جَعَلَ

مفعول به: الشَّمْسَ

مفعول ثان: ضِيَاءً

فعل: جَعَلَ

مفعول به: الْقَمَرَ

مفعول ثان: نَوْرًا

درس دهم

۱- فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا:

پس بخورید از آنچه روزی کرد خدا شما را، حلال و پاک. همان طور که می‌دانید «كُم» مفعول «رَزَقَ» و «اللَّهُ» فاعل آن است؛ از این رو، بهتر است در فارسی فاعل را زودتر از مفعول معنا کنیم. منظور جمله این است که از روزی‌های حلال و پاک خداوند بخورید.

۲- فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ

الحِكْمَةَ: پس قطعاً دادیم به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت را. توجه کنید که فعل «آتَيْنَا» دو مفعول گرفته است: یکی «آل ابراهیم» و دیگری «الکتاب». ولی در فارسی با توجه به معنای جمله، اولی به صورت «به خاندان ابراهیم» و دومی به صورت «کتاب را» معنا شده است. ضمناً، کلمه‌ی «الحِکْمَةُ» به «الکتاب» عطف شده است.

۳- وَءَاتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا: و دادیم به

آن‌ها فرمانروایی بزرگی را.

درس یازدهم

قبلاً توضیحات لازم داده شده است.

درسی دهم

به کمک جایی که‌های روی این و عبارت قرآنی را ترجمه کنید.

عَلَى	حَسْبَتُهُ	أَتَيْنَاهُ
فعل	فعل	فعل

فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا

وَأَتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

وَأَتَيْنَاهُمُ الْمُلْكَ عَظِيمًا

وَأَتَيْنَاهُمُ الْمُلْكَ عَظِيمًا وَجَعَلْنَاهُ قُرْآنًا لِقَوْمٍ يُرْتَدُونَ

وَأَتَيْنَاهُمُ الْمُلْكَ عَظِيمًا وَجَعَلْنَاهُ قُرْآنًا لِقَوْمٍ يُرْتَدُونَ

درسی یازدهم

به کمک جایی که‌های روی این و عبارت قرآنی را ترجمه کنید.

أَتَيْنَاهُ	عَلَى	حَسْبَتُهُ
فعل	فعل	فعل

وَأَتَيْنَاهُمُ الْمُلْكَ عَظِيمًا

وَأَتَيْنَاهُمُ الْمُلْكَ عَظِيمًا وَجَعَلْنَاهُ قُرْآنًا لِقَوْمٍ يُرْتَدُونَ

وَأَتَيْنَاهُمُ الْمُلْكَ عَظِيمًا وَجَعَلْنَاهُ قُرْآنًا لِقَوْمٍ يُرْتَدُونَ

وَأَتَيْنَاهُمُ الْمُلْكَ عَظِيمًا وَجَعَلْنَاهُ قُرْآنًا لِقَوْمٍ يُرْتَدُونَ

وَأَتَيْنَاهُمُ الْمُلْكَ عَظِيمًا وَجَعَلْنَاهُ قُرْآنًا لِقَوْمٍ يُرْتَدُونَ

درس چهاردهم

«لَمَّا جَاءَ كَثُورٌ كَثُرَ» سوره بقره آیه ۲۰۶ و دیگر عبارات قرآنی را ترجمه کنید.

تواصوا بالصبر	تواصوا بالحق	تواصوا بالصبر و التواصوا بالحق
---------------	--------------	--------------------------------

بنا کنید و ترجمه کنید

و التواصوا بالصبر و التواصوا بالحق

و التواصوا بالصبر و التواصوا بالحق

و التواصوا بالصبر و التواصوا بالحق

و التواصوا بالصبر و التواصوا بالحق

و التواصوا بالصبر و التواصوا بالحق

درس چهاردهم

۱- و تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ: و یک دیگر را سفارش کردند به حق و یک دیگر

را سفارش کردند به صبر.

۲- إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ...: این آیه ی شریفه شبیه عبارت ششم تمرین آزاد درس هفتم معنا

می شود.

پیوست‌ها

پیوست ۱- سواد قرآنی چیست؟

پیوست ۲- توصیه‌نامه‌ی مربوط به

چگونگی ارزش‌یابی پایانی درس قرآن

(قرائت و مفاهیم)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سواد قرآنی چیست؟

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ
يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ، وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ
وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

«سوره‌ی جمعه، آیه‌ی ۲»

قرآن کریم پیام روشن الهی است که همه‌ی انسان‌ها را به راستی و رستگاری دعوت می‌کند. این کتاب عزیز، از آغاز نزول تاکنون، سرچشمه‌ی بی‌پایان علوم و معارف اسلامی و محور تعلیم و تربیت دینی بوده است و خدای متعال، تلاوت و تعلیم آن را از مهم‌ترین وظایف پیامبر اکرم (ص) می‌داند. پیامبر نیز تعلیم قرآن را از حقوق فرزند بر پدر دانسته‌اند. تعلیم و تربیت اسلامی از آموزش این کتاب آغاز می‌شود. از این رو، آموزش هیچ کتابی و هیچ علمی، اهمیت و جایگاه آموزش قرآن را ندارد. قرآن، کتاب همه‌ی مردم است هر کس، در هر سطحی از علم و تقوا می‌تواند از این کتاب الهی بهره‌گیرد.

به اقتضای جایگاه خاص دین اسلام در فرهنگ مردم ایران و جایگاه ویژه‌ی قرآن در اعتقادات دینی، آموزش قرآن در کشور ما همواره مورد توجه همگان بوده است.

آموزش عمومی قرآن چنان اهمیتی دارد که اگر میزان دین‌شناسی و دینداری مردم را با میزان آشنایی و انس آن‌ها با قرآن کریم و معرفت خاندان پاک پیامبر اکرم (ص) بسنجیم، راه حقی پیموده‌ایم. از سوی دیگر، اگر دانش پایه‌ی مردم نسبت به قرآن در سطح حداقل قابل قبول نباشد، این ضعف و نقصان در همه‌ی ارکان ایمان و دین‌باوری آن‌ها تأثیر نامطلوب خواهد داشت.

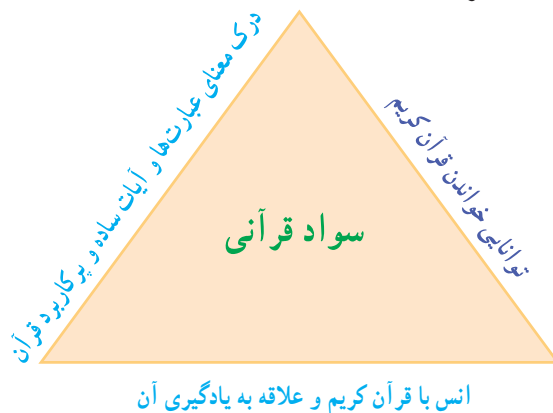
امروزه، حداقلی از دانش و مهارت را در همه‌ی حوزه‌های علمی و معرفتی، برای عموم مردم لازم می‌دانند. این حداقل را «سواد» و کمتر از آن را «بی‌سوادی» می‌نامند. ما علاوه بر سواد خواندن و نوشتن با اصطلاحاتی همچون سواد بهداشتی، سواد ارتباطات و اطلاعات، سواد ریاضی، سواد

علوم تجربی و... آشنا هستیم.

اکنون با این سؤال مهم روبه‌رو می‌شویم که حداقل دانش و مهارت از قرآن کریم و حداقل نسبتی را که عموم مردم باید با این کتاب مقدس داشته باشند، چیست. این حداقل را که آموزش عمومی قرآن کریم باید متکفل تحقق آن باشد، «سواد قرآنی» می‌نامیم. در جامعه‌ی ما از «سواد قرآنی» یا توانایی عموم مردم نسبت به قرآن تلقی و برداشت، متفاوتی وجود دارد و از این‌رو، تعریف دقیق و مشخصی از آن وجود ندارد. خوشبختانه نهادهای مردمی و دولتی به ترویج قرآن کریم توجه دارند ولی شاید یکی از دلایل عدم توفیق کافی و مطلوب فعالیت‌های گسترده‌ی قرآنی، نبود برنامه‌ریزی مناسب و تعریف نسبتاً جامع و مانع از برنامه‌های قرآنی در این فعالیت‌ها باشد. در هر برنامه، مهم‌ترین رکن، اهداف دقیق، تعریف شده و قابل حصول است. سواد قرآنی آحاد جامعه، دست‌مایه‌ی اولیه‌ی بسیاری از فعالیت‌های قرآنی و نیز از لوازم کاملاً ضروری تعلیم و تربیت اسلامی است. اگر جامعه در شناخت سواد قرآنی و دستیابی به آن با مشکل روبه‌رو باشد، این مشکل در عدم کارایی همه‌ی فعالیت‌های قرآنی تأثیر نامطلوبی خواهد داشت.

در این فرصت بر آنیم که تلقی خود را از سواد قرآنی بیان کنیم. امید است این کلام مورد توجه صاحب‌نظران، کارشناسان و دست‌اندرکاران فعالیت‌های قرآنی کشور قرار گیرد و با ارشاد و اصلاحات ایشان، به تدریج جامعه‌ی قرآنی کشور به تعریفی قابل قبول از سواد قرآنی دست یابد. همچنین، بتوانیم براساس این تعریف، وضعیت سواد قرآنی جامعه را به شکلی دقیق و علمی ارزیابی کرده و برای ریشه‌کنی بی‌سوادی قرآنی از جامعه، با همت و تلاش تمامی دست‌اندرکاران قرآنی کشور برنامه‌ریزی کنیم. پس از روشن شدن این وضعیت، بدیهی است که سازمان‌ها و نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی می‌توانند در دستیابی به اهداف این برنامه، نقش خود را ایفا کنند.

به نظر می‌رسد در شرایط کنونی جامعه، سواد قرآنی باید از سه جزء یا رکن اصلی تشکیل شود که می‌توان آن را در مثلث زیر نشان داد.



همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در این تعریف، سواد قرآنی دارای سه جزء است. جزء اول را می‌توان توانایی خواندن قرآن دانست که مورد قبول و اجماع همگان است. بدیهی است کسی را که توانایی خواندن متن قرآن را ندارد، نمی‌توان باسواد قرآنی تلقی کرد. ضلع سوم نیز اهمیت خاصی دارد که نقش آن در ایجاد و به‌ویژه بقای سواد قرآنی کم‌تر مورد توجه است ولی بحث و چالش اصلی بر سر جایگاه و ضرورت ضلع دوم (درک معنای و...) به‌عنوان یکی از سه رکن اصلی سواد قرآنی است. آنچه در این نوشتار مورد توجه جدی است، ضرورت این جزء در سواد قرآنی است؛ یعنی، اگر فرد واجد این جزء نشود، متأسفانه از سواد قرآنی محروم است. دلایل زیر مؤید ضرورت این جزء در سواد قرآنی است و نیز ما را ملزم می‌کند که برای سواد قرآنی در پایین‌ترین سطح آن، علاوه بر رکن اول و سوم، وجود رکن دوم را نیز ضروری بدانیم.

۱- در قرآن کریم و روایت‌های معصومین (ع) به قرائت قرآن توصیه‌ی فراوان شده است اما نکته‌ی قابل توجه این است که «قرائت» به چه معناست. قرائت به معنای «خواندن» است و منظور از خواندن، چه در زبان عربی و چه در زبان فارسی - که گاهی با بیان لفظ همراه است و گاهی بدون بیان اتفاق می‌افتد - عبارت است از درک معنای یک متن از طریق نشانه‌ها و نمادهایی که بر آن معنا دلالت دارند. از این‌رو، وقتی از کسی می‌خواهند که متنی را بخواند، منظور این است که با دیدن آن متن، معنا، مفهوم یا مدلول آن الفاظ را درک کند. این درک معنا، گاهی با تلفظ حروف و کلمه‌ها و گاهی بدون این تلفظ، انجام می‌شود.

وضع اولیه‌ی «قرائت» در زبان عربی یا «خواندن» در زبان فارسی، برای درک معنای یک متن است. البته بدیهی است کسی قادر به قرائت یا خواندن یک متن است که با چگونگی بیان حروف، کلمه‌ها و عبارت‌های آن متن و نیز معنا و مدلول آن‌ها آشنایی داشته باشد. اگر قرائت یا خواندن فقط بر تلفظ کلمه‌ها و عبارت‌ها - حتی بدون درک معنا - دلالت داشته باشد، می‌توان پرسید که «آن قرائت و خواندن» که همراه با درک معنای متن است - چه در زبان عربی، چه در زبان فارسی یا هر زبان دیگر - چه نامیده می‌شود؟».

۲- استعمال لفظ قرائت در قرآن کریم و روایت‌ها، کاملاً با وضع لفظ «قرائت» به معنایی که در بالا آمد، مطابقت دارد. هیچ آیه و روایتی که بیان کند، «هر وقت قرآن می‌خوانید و یا قرائت می‌کنید معنای آن را نیز بفهمید»، وجود ندارد؛ این از آن روست که این امر، به‌طور عادی متصور نمی‌شود؛ که کسی قرآن را بخواند ولی هیچ از آن نفهمد. پس، امر به قرائت (فاقرئوا...) به دلالت مطابقت یا حداقل تضمن (در صورتی که خواندن را مرکب از ادای لفظ و درک معنا بدانیم) امر به درک معنا نیز هست. آیه‌ای در قرآن وجود دارد که می‌گوید، ممکن است فردی چیزی را بگوید (که قابل تمثیل با

خواندن است) ولی معنای آن را نفهمد. البته چنین فردی یک فرد معمولی و هوشیار نیست بلکه یک انسان مست است که به طور موقت مشاعر خود را از دست داده است یا آن را به طور کامل و طبیعی در اختیار ندارد (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ... نساء / ۴۳). البته در قرآن کریم و روایت‌ها، به تدبیر در آیات امر شده است ولی می‌دانیم دقت در معنا و تدبیر در آن، غیر از درک معنای اولیه‌ی یک متن است. ممکن است انسان متنی را بخواند و به طور طبیعی معنای اولیه و کلی آن را درک کند ولی در معنای آن دقت، تدبیر و تفکر لازم نکرده باشد. چون این امر به عادت اتفاق می‌افتد، قرآن کریم بارها تذکر داده و امر کرده است که باید در آیه‌های آن تدبیر کرد و به درک اولیه‌ی معنا بسنده نکرد.

۳- روایتی از حضرت امام حسین (ع) و حضرت امام جعفر صادق (ع) به این گونه نقل شده است که فرموده‌اند :

كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ
عَلَى الْعِبَادَةِ وَالْإِشَارَةِ وَاللِّطَائِفِ وَالْحَقَائِقِ
فَالْعِبَادَةُ لِلْعَوَامِ وَالْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَاللِّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ وَالْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ

(بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۰ و ۱۰۳)

از این روایت به خوبی به دست می‌آید که عبارات‌های قرآن کریم برای عامه‌ی مردم است. عبارات‌ها، اولین و پایین‌ترین سطح بهره‌مندی از قرآن‌اند و درک معنا در همین سطح لحاظ شده است؛ زیرا سطح بالاتر از عبارات، اشارات قرآن است و مسلم است که معنای اولیه‌ی عبارات‌ها جزء اشارات آن محسوب نمی‌شود.



نکته‌ها

۱- تأکید بر درک معنای عبارات‌ها و آیه‌های ساده‌ی قرآن کریم در سواد قرآنی، به معنای آن نیست که خواندن قرآن کریم به شیوه‌ی رایج در جامعه‌ی ما - که متأسفانه عموماً بدون درک معناست - هیچ‌گونه فایده‌ای ندارد؛ هرگز چنین نیست. نه تنها چنین خواندنی دارای پاداش و ثواب معنوی است و تأثیرات تربیتی دربی دارد بلکه همان‌طور که در روایات آمده، حتی «نظر» در مصحف شریف عبادت است. این امر درست و بر حق است اما به این معنا نیست که حداقل بهره‌مندی مسلمانان از

پیام جاودانه‌ی هدایت الهی، باید چنین باشد یا قرآن کریم برای آن نازل شده است که ما با نظر کردن در آن، پاداش ببریم و عبادت کنیم. قرآن کریم، کتاب هدایت است و برای تذکر، تفکر و دست‌یابی به حیات حقیقی در قالب کلام قابل درک برای بشر نازل شده است؛ باید درک شود و حتی فهم و درک اولیه‌ی آن کافی نیست بلکه باید در آن تدبّر و تفکر شود تا منشأ عمل باشد.

۲- ممکن است پرسیده شود که «مگر درک معنای عبارت‌ها و آیه‌ها با ترجمه‌ی آن تفاوت دارد» و مگر نه این است که خواندن ترجمه‌ی قرآن، ما را از درک معنای عبارت‌ها و آیه‌ها بی‌نیاز می‌کند.

در پاسخ به بخش اول این پرسش، می‌گوییم که ترجمه‌ی یک عبارت یا متن می‌تواند کاری کامل‌تر و فنی‌تر از درک اولیه‌ی معنای آن باشد؛ مترجمان معمولاً از یک عبارت ساده، درک یکسان و نزدیک به هم دارند ولی متفاوت بودن ترجمه‌ی ایشان و ضعیف و قوی بودن آن، به علت میزان تسلط آن‌ها به زبان مبدأ و مقصد است. درک معنای یک عبارت یا متن، هم ساده‌تر و هم مقدم بر ترجمه‌ی اصطلاحی آن است؛ از این رو، آنچه در سواد قرآنی لحاظ شده، درک معنای عبارت‌ها و آیه‌های ساده‌ی قرآن است تا برای عموم افراد جامعه دست‌یافتنی باشد اما این که چرا خواندن ترجمه‌ی قرآن ما را از درک مستقیم معنای عبارت‌ها و آیه‌ها بی‌نیاز نمی‌کند، دلایل زیادی دارد که در زیر، به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

الف - هیچ ترجمه‌ای جایگزین قرآن نمی‌شود. مقایسه‌ی اندکی میان ترجمه‌های سده‌های اولیه‌ی هجری با ترجمه‌های امروزی می‌تواند این امر را به‌خوبی نشان دهد. به‌راستی اگر به‌جای قرآن، آن ترجمه‌ها در میان مسلمانان غیرعرب زبان رایج می‌شد، امروز ما چه حظّی از کلام الهی می‌بردیم؟ همین‌جا تذکر این نکته مناسب است که متأسفانه چند سالی است برخی ناشران به نشر ترجمه‌ی قرآن بدون متن آن اقدام کرده‌اند. همان‌طور که دیگران خطا بودن این امر را متذکر شده‌اند، ما نیز بر اشتباه بودن آن تأکید داریم و تداوم آن را به هر علت، یک اشتباه بزرگ تاریخی می‌دانیم. این نکته نیز گفتنی است که اگر عطش نسل امروز به دانستن به شیوه‌ای صحیح رفع نشود، زمینه برای راه‌حل‌های جبرانی ناصحیح فراهم می‌آید.

ب - آموزش و یادگیری باید تعمیم دادنی باشد؛ در غیر این صورت، آموزش نیست. بدیهی است باید روش‌های سوادآموزی قرآن - چه در دست‌یابی به مهارت خواندن و چه درک معنا - به‌نحوی باشد که به‌وسیله‌ی آن‌ها در حداقل زمان، آموزش و تمرین بتوان به حداکثر بازدهی دست یافت. بحمدالله، امروز برای آموزش مفاهیم قرآن متون آموزشی مناسب با روش‌های خوب و در دسترس عموم مردم تهیه و تدوین شده است و افراد می‌توانند با فراگیری معنای تعدادی از لغات

پر کاربرد قرآن و آشنایی با روش‌های ساده‌ی معنا کردن عبارت‌ها و آیه‌های قرآن، حجم قابل توجهی از کل قرآن کریم را معنا کنند. آیا این امر آموزش و یادگیری است یا این که فرد برای درک ساده‌ترین عبارت‌های قرآنی به ترجمه نیازمند باشد؟

پ - بسیاری از آیه‌ها و روایت‌ها - که برخی از آن‌ها در بند دوم و سوم بخش اول این نوشتار آمده است - مردم را به ارتباط مستقیم با کلام الهی دعوت می‌کنند. این ارتباط مستقیم علاوه بر این که بهره‌گیری از کلام الهی را میسر می‌سازد، می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری فواید جانبی دیگر مانند وحدت زبان مسلمانان و درک بیشتر و نزدیک‌تر آن‌ها از یک‌دیگر و... نیز باشد. حداقل این امکان را می‌توان از طریق سواد قرآنی برای عموم مسلمانان جهان فراهم کرد.

۳- درک معنای عبارت‌ها و آیه‌های قرآن کریم، مدخل تدبیر در آن‌ها و بهره‌گیری مستقیم از هدایت الهی است. ممکن است پرسیده شود که آیا عموم مردم می‌توانند چنین کاری را انجام دهند و نیز بهره‌گیری از روایت‌های معصومین - علیهم السلام - در درک و تفسیر قرآن کریم چه جایگاهی دارد.

در پاسخ به این سؤال‌ها باید بگوییم که تفکیک‌ناپذیری قرآن کریم و عترت پاک پیامبر اکرم - علیهم السلام - به این معنا نیست که قرآن کریم در حجیت و توانایی بر هدایت ناکافی است. آری؛ تبیین آیه‌ها و تفصیل و تفسیر ظرایف و حقایق آن - همان‌طور که خود قرآن فرموده است - بر عهده‌ی پیامبر اکرم و به تبع ایشان، خاندان پاک او - یعنی امامان معصوم (علیهم السلام) - است ولی هر کس از هر دین و آیین و هر سنت و فرهنگی، اگر به قرآن کریم مراجعه کند و زبان آن را بفهمد، به کلیات و محکمت‌های این کتاب آسمانی که اساس هدایت است، دست می‌یابد. درست به همین علت است که قرآن، خود را برای عموم مردم (نه فقط مسلمان، مؤمنان و...) هدایت می‌داند و درست به همین معناست که اقتضای اولیه‌ی قرآن برای انسان‌های معمولی که فطرتی پاک دارند، هدایت است و هر انسانی که از کفر، ظلم و فسق به دور باشد، با مراجعه به قرآن کریم بر هدایت و تقوای فطری خود می‌افزاید.

۴- پرسیده می‌شود: «آیا اگر عموم مردم به تدریج به فهم و درک قرآن کریم نزدیک شوند، زمینه‌ی تفسیر به رأی و برداشت‌های ناصحیح از قرآن کریم توسعه نمی‌یابد؟»

در پاسخ می‌گوییم: اولاً، اگر به راستی چنین امری موجب تفسیر به رأی شود، چرا قرآن کریم در بسیاری از آیه‌های خود، عموم مردم را به قرائت - که قطعاً همراه با درک معناست - و تدبیر و تفکر در آیه‌ها دعوت می‌کند؟ اگر مراجعه و مؤانست با قرآن کریم عموماً به تفسیر به رأی منجر شود، بهره‌مندی از این کتاب مقدس با مشکل جدی همراه خواهد شد؛ درحالی که، چنین نیست.

ثانیاً، تفسیر به رأی مربوط به صاحبان رأی است؛ در حالی که عامه‌ی مردم در مسائل مختلف اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، فقهی و...، اصلاً رأی و نظر - به معنای خاص و اصطلاحی آن - ندارند تا دچار تفسیر به رأی شوند. از این رو، استفاده‌ی آن‌ها در موضوعات عمومی اعتقادی، اخلاقی، تربیتی و اجتماعی نه تنها بدون اشکال بلکه کاملاً ضروری و مفید است. در این مورد، توجه به این کلام و نظر حضرت امام خمینی (ره) مناسب و جالب است.

«تفکر و تدبیر در آیات شریفه را با تفسیر به رأی - که ممنوع است - اشتباه نموده‌اند و به واسطه‌ی این رأی فاسد و عقیده‌ی باطله، قرآن شریف را از جمیع فنون استفاده‌ی عاری نموده و آن را به کلی مهجور نموده‌اند؛ در صورتی که استفادات اخلاقی و ایمانی و عرفانی به هیچ وجه مربوط به تفسیر نیست تا تفسیر به رأی باشد.»^۱

۵- نگاه جامع به سواد قرآنی می‌طلبد که متون جدیدی که همه‌ی مهارت‌های موردنظر در آن‌ها فراهم آمده باشد، به‌ویژه برای بزرگسالان، تدوین شود ولی از آن‌جا که جامعه‌ی ما در دست‌یابی به برخی از اجزای سواد قرآنی یا آغاز آموزش عمومی قرآن به شیوه‌های خاص و متداول، تجاری دارد، نکته‌ی مهم، دست‌یابی به تمامی اجزای سواد قرآنی در پایان آموزش عمومی قرآن است؛ هر چند که مسیر و راه دست‌یابی به این توانایی با توجه به تجارب مختلف آموزش قرآن در کشور، متنوع و متفاوت باشد.

۶- علت و ضرورت وجود ضلع سوم در مثلث سواد قرآنی، علاوه بر آنچه در قرآن کریم و روایت‌های معصومین - علیهم‌السلام - درباره‌ی قرائت مستمر و روزانه‌ی قرآن و انس با آن آمده است، این است که اگر دو ضلع دیگر پس از تحقق، بخواهند باقی بمانند و قرآن آموز، سواد قرآنی کسب شده را حفظ کند، گریزی از ایجاد ضلع سوم نیست. در نتیجه، باید سواد قرآنی علاوه بر دانش و مهارت، زمینه‌ی انس با قرآن کریم و علاقه به یادگیری آن را نیز فراهم آورد. به‌عنوان پیشنهاد، کسی را که به‌طور روزانه و مستمر - به میزانی که خودش مقرر کرده است - قرآن بخواند و در آنچه می‌خواند دقت کند تا معنای عبارت‌ها و آیه‌های ساده‌ی آن‌ها را درک کند، می‌توان از حداقل انس با قرآن بهره‌مند دانست. این تلاش حتی اگر از نظر کمیت، قابل توجه نباشد، اولاً، مفید و مؤثر است و ثانیاً، بقای مهارت‌های به‌دست آمده از سواد قرآنی را تضمین می‌کند.

تذکر این نکته ضروری است که جامعه ما به شدت به نهضت قرآن‌آموزی نیازمند است - و چه بهتر که نهضت سوادآموزی قرآن موردنظر باشد - ولی همپای آن به نهضت قرآن‌خوانی در جامعه نیازمندیم.

۱- قرآن، کتاب هدایت؛ تبیان، دفتر سیزدهم، صفحه‌ی ۱۶۹.

بدیهی است که این حداقل انس با قرآن کریم می‌تواند زمینه‌ساز کسب مدارج کامل‌تر و بالاتر شود و هر کس با توجه به زمینه‌ها، علایق و توانایی‌های خویش به تدریج در راه مؤانست و نزدیکی با قرآن کریم و درک آن، گام‌های بلندتری بردارد.



آنچه بیان شد، در اهمیت و ضرورت دستیابی به سواد قرآنی برای همه‌ی افراد جامعه است اما این که راه و روش این کار چیست و آیا اصولاً امکان دارد یا نه، بحث دیگری است که باید در فرصتی دیگر به آن پرداخت اما به‌طور اجمال، نظر بر این است که این امر حیاتی، هم ضروری و هم ممکن است.

امید است خدای متعال برای تحقق این امر ضروری، جامعه‌ی ما را مشمول عنایت و هدایت خاص خود بگرداند.

پیوست شماره ی ۲

شماره ۲۴/۳۷۸۸/۴۲
تاریخ ۲۶/۱۳/۲۰۲۰
پیوست ۱/۱

راهنمای



وزارت آموزش و پرورش
معاونت آموزش عمومی و امور تربیتی
دفتر ارزشیابی تحصیلی و تربیتی

شرح روش‌های پیشنهادی پیشنهادی پیشنهادی

کمیته بررسی
بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های اداری
و انجمن‌های مجری:
استان: رئیس سازمان - معاون آموزش عمومی
و امور تربیتی
شهرستان / منطقه: رئیس
و انجمن‌های آموزشی: به مدارس راهنمایی
ارسال شود.
هماهنگ‌کننده در استان: کمیته مستندسازی
شماره: ۲۲۰/۸۲/۲۹/۱۲ ص ۷

به : سازمان آموزش و پرورش استان

از : دفتر ارزشیابی تحصیلی و تربیتی

موضوع: ارسال توصیه نامه آزمون قرآن و بارم دروس اجتماعی و تاریخ سوم راهنمایی

با سلام و احترام

به پیوست توصیه نامه آزمون نهایی آموزش قرآن (شفاهی - کتبی)
و بارم بندی جدید براساس تغییرات جزئی دروس اجتماعی و تاریخ سال سوم
راهنمایی در سال تحصیلی ۸۲-۸۳ جهت پیشنهاد به کلیه مدارس راهنمایی
استان ارسال می‌گردد.

حسین احمدی

مدیر کل دفتر ارزشیابی تحصیلی و تربیتی

تهران - خیابان انقلاب - خیابان شهید برادران مظفر (میدان شمالی) - ساختمان شماره ۹ وزارت آموزش و پرورش - معاونت آموزش عمومی و

امور تربیتی - دفتر ارزشیابی تحصیلی و تربیتی - صندوق پستی شماره ۱۷۳۹-۱۵۸۱۵

باسمه تعالی

توصیه‌نامه‌ی چگونگی ارزش‌یابی و آزمون درس قرآن در دوره‌ی راهنمایی

آزمون پایانی و نهایی درس قرآن در دوره‌ی راهنمایی براساس ۱۰ نمره قرائت به صورت شفاهی و ۱۰ نمره مفاهیم به صورت کتبی است. امتحان پایانی شفاهی در زمان امتحان‌های شفاهی و امتحان کتبی با درج در جدول امتحان‌های کتبی در زمان مربوط برگزار می‌شود. برای سهولت در کار توصیه می‌شود بارم هریک از این دو امتحان براساس نمره‌ی ۲۰ تنظیم شود که در این صورت نمره‌ی درس قرآن هر دانش‌آموز، معدل این دو نمره خواهد بود. در زیر، توضیحات ضروری در دو بخش قرائت و مفاهیم تقدیم می‌شود.

بخش اول - قرائت

- ۱- در آزمون قرائت از هر دانش‌آموز دو پرسش می‌شود و در هر پرسش حدود نیم‌صفحه از آیات کتاب درسی خوانده می‌شود.
- ۲- به‌ازای هر کلمه که غلط خوانده می‌شود، حداکثر نیم نمره کسر می‌شود (براساس ۲۰ نمره قرائت). مناسب است در صورت غلط خواندن، به دانش‌آموز تذکر و فرصت داد و اگر در خواندن مجدد، رفع اشکال شد، هیچ نمره‌ای کسر نمی‌شود.
- ۳- اگر قرائت دانش‌آموز با تکرار، برگشت و مکث زیاد همراه باشد، در مجموع یک تا دو نمره کسر می‌شود. شرایط خاص دانش‌آموزان استثنایی یا دارای لکنت زبان باید مورد توجه قرار گیرد.
- ۴- اگر قرائت دانش‌آموز شبیه به قرائت نوار آموزشی (تحقیق یا ترتیل) یا با رعایت تلفظ صحیح حروف خاص عربی باشد، در مجموع یک تا دو نمره‌ی تشویقی به نمره‌ی قرائت او اضافه می‌شود.
- ۵- از قواعد روخوانی، پرسش نمی‌شود؛ زیرا رعایت این قواعد فقط در حین قرائت، کفایت می‌کند.
- ۶- سعی شود با اتخاذ تدابیر مناسب از اضطراب دانش‌آموزان هنگام آزمون، کاسته شود؛ برای مثال، می‌توان پیش از پرسش، به هر دانش‌آموز چند دقیقه فرصت داد تا آیات آزمون قرائت خود را مرور کند.
- ۷- خوب است در صورت امکان، هنگام آزمون قرائت، کتاب دانش‌آموز را از او گرفت و اشتباهات او را روی کتابش علامت زد تا در صورت نیاز، دانش‌آموز با این اشتباهات آشنا شود و در اصلاح آن‌ها بکوشد.

بخش دوم – مفاهیم

- ۱- پیشنهاد می‌شود بارم‌بندی سؤال‌های بخش مفاهیم، براساس جدول ارائه شده در پیش‌گفتار کتاب طراحی شود. در صورت طرح سؤال از تمرین‌های شماره‌ی ۴ «کار در کلاس» (الگوی قواعد مفاهیم)، این پرسش‌ها باید با ارائه‌ی الگو (مانند آنچه در کتاب درسی آمده است) همراه باشد.
- ۲- از تمرین‌های آزاد، مباحث شناخت، پیام‌های قرآنی، معنای کلمه‌هایی که در بخش «انس با قرآن در خانه» در کتاب ترجمه شده است، احادیث و ترجمه‌ی آیه‌های متن درس – غیر از آنچه در بخش مفاهیم آمده است – نباید سؤال‌ی طرح شود.
- ۳- پس از تهیه‌ی کلید سؤال‌ات طراحی شده، در بالای برگه‌ی کلید تصریح شود که «نظر مصحح محترم در صحیح یا غلط بودن پاسخ دانش‌آموزان صائب است» تا از پاسخ‌های صحیح دانش‌آموزان که لزوماً مانند کلید سؤال‌ات نیست، نمره‌ای کسر نشود.
- ۴- متن سؤال‌ها به‌خصوص کلمه‌ها و عبارت‌های قرآنی (عربی)، واضح و با اعراب کامل – مانند کتاب درسی – نوشته شود و قبل از تکثیر، بازبینی و اصلاح لازم به‌عمل آید.
- ۵- در طراحی سؤال‌های چندگزینه‌ای، نباید گزینه‌ها آن‌قدر به هم نزدیک باشند که برای تشخیص دادن پاسخ صحیح به توانایی ویژه‌ای نیاز باشد.
- ۶- هیچ‌گونه سؤال‌ی به‌صورت ترجمه‌ی لغت یا عبارت از فارسی به عربی طرح نشود.
- ۷- توزیع سؤال‌ها به نسبت دروس مختلف، متعادل و متناسب باشد (در این مورد بارم‌بندی پیشنهادی قبلاً ارسال شده است).
- ۸- متن سؤال‌ها تا حد امکان مثبت طرح شود و از نگارش سؤال‌های منفی خودداری گردد؛ مثلاً، به‌جای این که سؤال شود «کدام ترجمه غلط است»، پرسیده شود: «کدام ترجمه صحیح است».
- ۹- از طرح سؤال‌های دارای نکته‌های ویژه، ترکیب‌ها و عبارت‌های مبهم، مطالب پاورقی یا عبارت‌های کم‌کاربرد در کتاب درسی، تا حد امکان خودداری شود.
- ۱۰- طراح سؤال‌های آزمون نهایی و مصححان محترم اوراق، از میان دیرانی انتخاب شوند که در سال تحصیلی جاری، کتاب آموزش قرآن سال سوم راهنمایی را تدریس کرده‌اند.
- ۱۱- مبنای پاسخ دانش‌آموزان، ترجمه‌ی تحت‌اللفظی است و چنین ترجمه‌ای نمره‌ی کامل را خواهد داشت. در صورتی که ترجمه، روان و صحیح ارائه شده باشد، نیز نمره‌ی کامل را خواهد داشت.
- ۱۲- مهم‌ترین گام در توانایی درک معنای عبارت‌های قرآنی، ترجمه‌ی تحت‌اللفظی آن‌هاست، از این رو، اگر دانش‌آموز برخی از کلمه‌ها – مانند «را»، فعل‌های ربطی (است، هستم، ...) و ... را در

ترجمه ننویسد، نمره‌ای از او کسر نمی‌شود.

۱۳- در صورتی که دانش‌آموز حروف اضافه را به شکل معنای اولیه و اصلی آن‌ها معنا کند، صحیح است؛ هر چند که در عبارت مورد سؤال، ممکن است بهتر باشد آن حرف به صورت دیگری معنا شود؛ مانند حرف اضافه‌ی «ب» در عبارت «مَنَاكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ» که بهتر است «در» معنا شود ولی اگر دانش‌آموز «به» معنا کند، نمره‌ای از او کسر نمی‌شود. هم‌چنین، حرف اضافه‌ی «من» که در هر جا «از» معنا شود، صحیح محسوب می‌شود.

۱۴- اگر دانش‌آموز فعلی را که به هر دلیل در کتاب درسی به دو صورت معنا شده است، به هریک از دو معنا بنویسد، نمره‌ی کامل را خواهد گرفت. برای مثال، برای افعالی که گاهی به تناسب جمله، ماضی و گاهی مضارع معنا می‌شوند، هر دو معنا صحیح است؛ یا اگر فعل مضارع در جمله‌ای به صورت مضارع اخباری یا التزامی معنا شود، صحیح است و نمره‌ای از دانش‌آموز کسر نمی‌شود.

۱۵- در صورتی که فعل مفردی، جمع یا برعکس معنا شود یا فعل ماضی به صورت مضارع یا برعکس معنا شود، فقط نیمی از نمره‌ی مربوط به آن کلمه کسر می‌شود.

۱۶- در ترجمه‌ی ترکیب‌ها و عبارت‌ها به هر میزان که از آن ترکیب یا عبارت معنا شده است - هر چند کامل نباشد - همان مقدار نمره تعلق می‌گیرد.

۱۷- فعل مفردی که فاعل آن، اسم ظاهر و جمع است، اگر به جای جمع، مفرد معنا شود، صحیح به حساب می‌آید و نمره‌ای کسر نمی‌شود؛ مانند فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ: پس سجده کرد فرشتگان.

